



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه فنی و حرفه‌ای
استان فارس



مدرس : سید روح الله صادقیان

جلسه اول

جلسه دوم

- خلاصه فصل یک کتاب:

- تعریف مفاهیم و عوامل شکل گیری انقلاب ها

فهرست مطالب

- چکیده ۴
- الف) چیستی انقلاب ۵
- ب) تعاریف مختلف از انقلاب ۶
- ج) گونه های مختلف انقلاب ۸
- د) خصوصیت انقلاب ها ۹
- ه) تفاوت انقلاب با مفاهیم مشابه اجتماعی ۱۰
- و) شرایط اجتماعی و بسترهای روانشناختی پیدایی انقلاب ۱۱

چکیده:

- ۱- انقلاب از نظر واژگانی به معنای تغییر شکل و از نظر سیاسی-اجتماعی به معنای دگرگونی در ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه است.
- ۲- انقلاب ها بر دو گونه ی سیاسی و اجتماعی اند. انقلاب سیاسی تغییر ساختار سیاسی بدون تغییر ساختار اجتماعی است. حال آنکه انقلاب اجتماعی تغییر ساختار های سیاسی اقتصادی و اجتماعی جامعه است.
- ۳- درباره چیستی انقلاب برخی آن را بر اساس نیات انقلابیون و برخی بر پایه ی پیامد های انقلاب و پاره ای نیز بر اساس فرایند انقلاب تعریف نموده اند.
- ۴- یکی از تعاریف مربوط به انقلاب اجتماعی تعریف هانتینگتون است.
- ۵- شکل گیری هر انقلاب تحت تاثیر عوامل مختلفی است.
- ۶- انقلاب ها ویژگی هایی دارند که ان ها را از سایر تحولات سیاسی و اجتماعی متمایز میکند.
- ۷- مهم ترین ویژگی های انقلاب بنیادی بودن تغییرات - مردمی بودن ان - وجود رهبری و همچنین ارایه طرحی برای آینده از سوی انقلابیون است.

الف) چستی انقلاب

انقلاب از نظر واژگانی به معنای تغییر. تحول. برگشتگی و تبدیل

از نظر سیاسی به معنای اقدام عده ای برای براندازی و ایجاد حکومتی جدید است.

ب) تعاریف مختلف از انقلاب

هانا آرنت از نظریه پردازان انقلاب درباره پیشینه تاریخی این اصطلاح چنین می گوید:

کلمه انقلاب در اصل از مصطلحات اخترشناسی است که به واسطه ی اثر بزرگ کپرنیک در علوم طبیعی از اهمیت خاصی برخوردار شد. این واژه در کاربرد علمی معنای دقیق لاتینی خود را که دال بر حرکت دورانی منظم و قانونمند ستارگان بود حفظ کرد.

شهید مطهری انقلاب را این گونه تعریف می کند:

انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان که مردم علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظامی مطلوب انجام می دهند. یعنی انقلاب از مقوله عصیان و طغیان است علیه وضع حاکم برای وضعی دیگر. پس ریشه های انقلاب دو چیز است: یکی نارضایتی و خشم از وضع موجود و دیگر ارمان یک وضع مطلوب.

مروری بر سایر تعاریف اندیشمندان معاصر اسلامی نشان می دهد که یکی از ابعاد مهم در معرفی انقلاب ها بعد ارزشی و مطلوبیت ارمان هاست.

شاید تعریف انقلاب از بعد جامعه شناسی جامعیت بیشتری دارد. زیرا به عمده ترین خصیصه های انقلاب که دارای ماهیتی اجتماعی است اشاره می کند.

تعریف هانتینگتون از انقلاب:

انقلاب یک دگرگونی سریع، بنیادین و خشونت آمیز داخلی در ارزش ها و اسطوره های مسلط جامعه، نهاد های سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، فعالیت های حکومتی و سیاست های آن است.

ج (گونه های مختلف انقلاب

انقلاب ها را می توان به <<انقلاب های سیاسی >> و <<انقلاب های اجتماعی >> تقسیم نمود.

انقلاب سیاسی با تغییر ساختار سیاسی، بدون تغییر ساختار های اجتماعی همراه است.

به سخنی دیگر این انقلاب ها ساختار حکومت را تغییر می دهند نه ساختار اجتماعی را.

اما انقلاب اجتماعی عبارت است از تغییر سریع و اساسی در ساختار سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی یک جامعه که با حرکت و قیام عمومی مردم همراه است. برای نمونه **انقلاب اسلامی ایران را می توان از انقلاب های اجتماعی دانست.**

انقلاب اجتماعی به ندرت شکل گرفته اما بی گمان رخدادی مهم به شمار می رود. انقلاب های اجتماعی تنها از حیث ملی اهمیت ندارند بلکه اغلب موجب رشد الگو ها اندیشه ها و خواسته های بزرگ بین المللی نیز می شوند.

(د) خصوصیات انقلاب ها

۱- انقلاب در روند خود باید چند مرحله را بگذراند:

یک. براندازی

دو. انتقال و جابه جایی قدرت

سه. پاک سازی مهره های اصلی حکومت قبلی

چهار. تثبیت نظام جدید سازندگی و تحقق آرمان های انقلاب

۲- با وجود ناگهانی و سریع بودن وقوع انقلاب روند شکل گیری آن نسبتاً طولانی است.

۳- در روند انقلاب اعمال زور و خشونت به گونه ای متقابل صورت می گیرد.

۴- در انقلاب بخش عمده ای از جمعیت به شکلی موثر بسیج می شود.

۵- مشارکت مردمی در انقلاب مستلزم عناصری مانند سازماندهی، رهبری و ایدئولوژی است.

هر چه ایدئولوژی قوی تر باشد بسیج گروه ها نیز گسترده تر خواهد بود.

۶- تغییرات انقلاب عمیق و زیر بنایی بوده و ارزش های جدید جایگزین ارزش های پیشین می گردد.

۷- وجود مستمر آگاهی به مفهوم ادراک و تحلیل آن موجب پی ریزی <<حرکت های مداومی>> می گردد که به تدریج در طی مراحل انقلاب را به وجود می آورد.

ه) تفاوت انقلاب با مفاهیم مشابه اجتماعی

یک) کودتا

کودتا اقدام معدودی از نیروهای نظامی با حمایت برخی از نیروهای حاکم است که هدف از آن رسیدن به قدرت و برکناری حاکمی است که در رأس قدرت قرار دارد.

تفاوت های میان انقلاب و کودتا:

- ۱- کودتا چنان از پیکره قدرت حاکم برمی خیزند و پایگاه مردمی ندارند در حالی که عناصر اصلی تشکیل دهنده ی انقلاب خود مردم اند که در مقابل قدرت حاکم قرار دارند.
- ۲- در کودتا ارزش ها و زیر ساخت ها تغییر نمی یابد و ساختار نظام باقی است اما اداره کننده ان تغییر می یابد.
- ۳- در کودتا به دلیل برخاستن کودتاچیان از پیکره اصلی نظام براندازی و جایگزینی و نیز شروع به سازندگی تقریبا هم زمان و بدون فاصله ی زمانی رخ می دهد.

دو (جنبش

جنبش نسبت به سایر مفاهیم از حیث معنایی با انقلاب نزدیک است. جنبش بسترهای تحول در جامعه را شکل می دهد که این تحول می تواند به انقلاب یا اصلاحات بدل گردد.

تفاوت عمده جنبش با انقلاب :
در شیوه اجرایی و رفتاری و نیز در هدف نهایی آن است.

سه) اصلاح

۱

اصلاح یا رفرم تغییرات آرام و روبنایی در یک نظام است که معمولاً در جامعه‌ای متعادل اتفاق می‌افتد.

اصلاحات از بالا و از سوی خود دولتمردان است و پایگاه مردمی ندارد. اصلاحات با هدف بهبود شرایط و یا جلوگیری از انقلاب است اما انقلاب از سوی مردم و برای براندازی نظام حاکم پدید می‌آید.

چهار) شورش

شورش حرکتی مقطعی در اعتراض به موضوعی خاص است. شورشیان غالباً نارسایی های موجود را نه به نهاد ها و ساخت های اجتماعی بلکه به افراد نسبت می دهند. از این رو هدف آن ها محدود به از میان برداشتن افراد خاصی در حاکمیت و یا زدودن موضوع خاصی در حکومت است بی آنکه ترکیب نظام را تغییر دهند.

(و) شرایط اجتماعی و بستر های روان شناختی پیدایی انقلاب

یک) نارضایتی عمیق از وضع موجود

نخستین عامل مهم در وقوع هر انقلاب که منشا روان شناختی اجتماعی دارد نارضایتی عمیق از وضع اجتماعی موجود است که زمینه ی ظهور و گسترش سایر عوامل و شرایط را نیز فراهم می آورد.

نارضایتی انقلابی در میان توده های عظیم مردمی ظهور می کند. در واقع انقلاب تنها با ایجاد نارضایتی به وقوع نمی پیوندد بلکه روی دادن آن نیازمند یک سلسله علل به هم پیوسته است که آغاز آن وجود نارضایتی عمیق است.

دو) ظهور و گسترش ایدئولوژی های جدید و جایگزین

هر تغییر در سیاست و حکومت افزون بر نا رضایتی، نیازمند ایدئولوژی جایگزین برای تغییر حکومت است.

ایدئولوژی انقلاب نظام سازمان یافته ای است که ویژگی های نظام آرمانی را ترسیم می کند و راه رسیدن به آن ها را می نمایاند.

هر چه تعداد ایدئولوژی ها بیشتر باشد احتمال ثبات پس از انقلاب کمتر است.

سه) گسترش روحیه انقلابی

روحیه ی انقلابی مرحله ای بالاتر از نارضایتی از وضع موجود است. مراد فرد اعتماد به نفس میابد و در مقابل راه حل های اصلاح گرایانه و سیاست های سرکوبگرانه حکومت می ایستد از این روحیه به وجود آمدن حس پرخاشگری علیه نظام سیاسی حاکم است. با چنین روحیه و اراده ای است که فرد اعتماد به نفس می یابد. این روحیه نیز دست کم باید در میان گروهی از نخبگان و توده ها ظهور یابد.

چهار) رهبری و نهاد های بسیج گر

چنانچه سه عامل بالا پدیدار گردد اما رهبری و نهاد های بسیج گر وجود نداشته باشد انقلاب به پیروزی نخواهد رسید. بنابراین پیروزی انقلاب نیازمند رهبری است تا بتواند با استفاده از نارضایتی های موجود و ایدیولوژی جایگزین انقلاب را به پیش برد.

انقلاب ممکن است دارای رهبری واحد باشد مانند رهبری امام خمینی (ره) یا اینکه به صورت مشترک انجام پذیرد و یا در هر مرحله فرد خاصی رهبری آن را بر عهده داشته باشد مثل رهبران انقلاب فرانسه.

اصولا یکی از ویژگی های انقلاب اسلامی که با انقلاب های معروف جهان متفاوت به نظر می رسد رهبری واحد در سه مرحله پیدایی، پویایی و پایایی انقلاب است.



با تشکر فراوان